

تحلیلی بر نام‌گذاری معابر عمومی شهری (مطالعه‌ای در شهر رشت)

فردین علیخواه^۱، رضا اقامتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۷

چکیده

نام‌گذاری خیابان‌ها صرفاً ابزاری برای جهت‌یابی نیست و دلالت‌های اجتماعی و سیاسی مختلفی دارد. نام‌گذاری مکان‌های عمومی از نظر عملی و نظری اهمیت بسزایی دارند و با توجه به چنین اهمیتی، در این مقاله نام خیابان‌های شهر رشت بررسی شده است. فرایند نام‌گذاری بر اساس وظایف سازمانی و توزیع آماری نام‌های خیابان‌ها بر حسب مقولات تعریف شده مرکز توجه این مقاله خواهد بود. بعد از مرور نظریه‌ها و هم‌چنین تحقیقات مرتبط در شهرهایی مانند: برلین، بخارست، منهتن، تمامی نام‌های معابر شهری رشت از آخرین نسخه‌ی نقشه‌ی شهر استخراج شده و در مقولات قرار داده شده است. در واقع معابر شهر رشت تمام شماری شدند. مهم‌ترین یافته این تحقیق آن است که خیابان‌های اصلی شهر بیش‌تر تحت تأثیر اسامی مرتبط با انقلاب اسلامی بوده‌اند. هم‌چنین میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناطق شهرداری و نام معابر عمومی ارتباطاتی مشاهده شد. واژه‌های کلیدی: نام خیابان، نام‌گذاری اماکن عمومی، رشت، انقلاب اسلامی.

faralikhah@gmail.com

reza_eg68@yahoo.com

^۱ - استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

۱. طرح مسأله

نام‌گذاری خیابان‌ها و معابر عمومی شهری از موضوعات مورد توجه شاخه‌های مختلف علوم انسانی است. هر شاخه‌ای از این علوم مانند جغرافیا، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، مدیریت و شهرسازی به فراخور خود، بخشی از مسائل مربوط به آنرا مطالعه دارند. لذا می‌توان گفت که بررسی نام‌گذاری معابر شهری امری میان رشته‌ای است و معمولاً از زوایای مختلفی می‌توان به آن توجه کرد. اهمیت نام‌گذاری از آن جهت است که امروزه یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت شهری به شمار می‌رود و به همین دلیل معمولاً زمینه‌ی مناقشه میان گروه‌های قدرت را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر در نگاه اول هدف اولیه نام‌گذاری خیابان‌ها عبارت است از یک عمل اداری طرح‌ریزی شده برای آسان‌سازی شناسایی و متمایزسازی خیابان‌ها و نیز میسر کردن جهت‌گیری جغرافیایی در درون شهرهاست. به علاوه پیش نیاز و لازمه‌ی اسامی خیابان‌ها عبارت است از متفاوت بودن آن‌ها از یک‌دیگر. ولی در عین حال نیازمند آن است که توصیف ساده‌ای از موقعیت خیابان، جهت و سمت و سوی آن باشد (بدیعی، ۱۳۸۸: ۸۱). اما همان‌طور که گفته شد نکته‌ی قابل تأمل آن است که نام‌های خیابان‌ها چیزی بیش از وسایلی برای تسهیل جهت‌گیری فضایی و تردد ساکنان شهرهاست (زیل و روف، ۲۰۰۹). در واقع نام‌گذاری و بازنام‌گذاری معابر شهری، موضوعی فراتر از فقط یک نام است و دربرگیرنده‌ی وجوه مختلفی از حیات اجتماعی و سیاسی کشورهاست. همان‌طور که نش^۱ استدلال می‌کند اسامی مکان‌ها، چه مادی و استعاره‌ی و چه حقیقی و نمادین ... همگی درباره‌ی مسائل مربوط به قدرت، فرهنگ، مکان و هویت‌اند (نش، ۱۹۹۹: ۴۵۷) گیل^۲ از این زاویه بر اهمیت نام‌های خیابان‌ها تأکید دارد که مردم هر روز با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. خیابان‌ها واقعیتی فوری و عملی ارائه می‌دهند که حتی نمی‌تواند از یک پرچم یا سرود به دست آید (گیل، ۲۰۰۵: ۴۸۶). اسامی مکان‌ها قسمت جدایی‌ناپذیر منظرند و مملو از معانی‌اند. اسامی فراتر از مجموعه‌ی کلمات و صرف و نحو آن‌ها، معانی ضمنی واقعی و متصور را به ما القا می‌کنند (زیل و روف، ۲۰۰۹). به تعبیر پالونن^۳، برای یک خواننده‌ی باهوش، نگاه کردن به نقشه‌ی خیابان‌های یک شهر برای

^۱ C.nash^۲ G.gill^۳ K.palonen

بدست آوردن نظری اجمالی درباره‌ی تاریخ آن شهر بر اساس تغییر شرایط سیاسی کافی است (پالونن، ۱۹۹۳: ۱۰۹). به باور برخی از محققان، اهمیت نام‌گذاری معابر از آن جهت است که هر عمل مربوط به نامگذاری چیزی، در واقع عملی سیاسی است چون اسمی که به چیزی یا کسی واگذار می‌شود توسط یک نیروی بیرونی انجام می‌شود که مشروعیت انجام چنین کاری را دارد (پینچوسکی و تورگونویک، ۲۰۰۲: ۳۶۶). در همین زمینه مون مونیر^۱ معتقد است که نام‌گذاری شیوه‌ای سریع و ارزان برای «دکوربندی مجدد چشم‌انداز فرهنگی» است (مون مونیر، ۱۹۹۵).

با توجه به‌وجوه پراهمیت نام‌گذاری معابر شهری چه از منظر نظری و چه عملی، در این مقاله قصد داریم به تحلیل محتوایی نام‌های معابر عمومی شهر رشت بپردازیم. پرسش محوری این پژوهش این است که فرایند اتخاذ اسامی برای معابر شهر رشت چگونه است؟ و اسامی اتخاذ شده برای معابر از نظر موضوعی در چه مقولاتی قرار می‌گیرند و در این میان سهم هر موضوع چقدر است؟

۲. مبانی نظری

همان‌طور که در مقدمه‌ی این مقاله اشاره شد تحقیق درباره‌ی نام‌گذاری معابر شهری از زوایای مختلفی انجام می‌شود. متنها در سال‌های اخیر بیش‌تر تحقیقات مرتبط با این عرصه به پیوند امر نام‌گذاری و باز تولید قدرت توجه بیش‌تری نشان داده است. هم‌چنین تکیه بر چارچوب نظری و رویکرد جامعه‌شناسی و نظریه‌های پسا ساختارگرایی و پسا مدرن مانند بودریارد^۲ و بارت^۳ و میشل فوکو^۴ برای فهم نام‌گذاری‌ها اهمیت بیش‌تری یافته است. در ادامه به برخی از این تحقیقات و دیدگاه‌های نظری اشاره می‌شود.

۲-۱- مروری بر تحقیقات مرتبط

ریکا اسکلینن^۵ در مطالعه‌ای تلاش کرد تا به مطالعه‌ی کارکردهای خیابان‌ها بپردازد. این‌که برای مثال مردم چگونه با استفاده برخی از نام‌ها، نگرش (کارکرد عاطفی) یا تعلق خود را به گروه‌های

^۱ M.monmonier

^۲ Jean Baudrillard

^۳ Roland Gérard Barthes

^۴ Michel Foucault

^۵ R.Eskelinen

منطقه‌ای و یا اجتماعی (کارکرد جمعی) بیان می‌کنند (اسکلین، ۲۰۰۹، ۳۵۰). داده‌های تحقیق او دربرگیرنده‌ی همه‌ی انواع اسامی مکان‌ها بوده است: اسامی رسمی مانند اسامی روی تابلوهای خیابان‌ها و اسامی غیر رسمی که توسط ساکنان شهری ایجاد شده بود (اسکلین، ۲۰۰۹: ۳۵۱). او داده‌هایش را در مصاحبه با ساکنین محله‌ی کالیو^۱ در شهر هلسینکی فنلاند جمع‌آوری کرد. در کل اسکلین چهار کارکرد جمعی، عملی، عاطفی و اطلاعاتی را معرفی (اسکلین، ۲۰۰۹: ۳۵۲) و نتیجه‌ی مطالعه خود را این گونه خلاصه می‌کرد:

۱- با به‌کاربردن اسامی خاص، ما می‌توانیم تعلق خودمان را به گروه‌های اجتماعی و منطقه‌ای ویژه بیان کنیم.

۲- یکی از دلایل ایجاد اسامی جدید (غیر رسمی) برای یک مکان سهولت بخشیدن به بکار بردن آن اسامی است.

۳- به کمک اسامی ما می‌توانیم موقعیت فضایی و حرکت‌مان را از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر نشان دهیم.

۴- به کمک اسامی ما نگرش‌مان را به یک مکان، تصویر آن و یا ساکنین آن نشان می‌دهیم.

۵- اسامی مکان‌ها دربرگیرنده‌ی اطلاعاتی درباره‌ی ویژگی‌های آن مکان و یا انگیزه‌های نام‌گذاران آن است. وقتی ما اسمی را به‌کار می‌بریم این اطلاعات را منتقل می‌کنیم (اسکلین، ۲۰۰۹: ۳۵۴).

ریوین رز ردوود^۲ با الهام از این نظر استفان لگ^۳ که عمل به‌خاطر سپردن از «فراموش کردن فعال» جدایی‌ناپذیر است (لگ، ۲۰۰۷: ۴۵۹) به مطالعه‌ی خط مشی‌های نام‌گذاری خیابان‌ها در شهر نیویورک پرداخت. او در مقاله‌ی خود به بررسی خیابان‌های شهر نیویورک به عنوان یک «عرصه‌ی یادبود» پرداخت که در آن چندین لایه‌ی طرد اجتماعی- فضایی در تولید چشم اندازهای یادبودی فعال‌اند. با الهام از نظریه‌ی سرمایه‌ی نمادین پیر بوردیو^۴ جامعه‌شناس فرانسوی، او معتقد است که نام‌گذاری خیابانی یک عنصر استراتژیک از یک اقتصاد شیوه‌ها برای نشانه گذاری فضای جغرافیایی هم به عنوان مکان خاطره و هم مکان محو است (ردوود، ۲۰۰۸: ۴۳۳) در پژوهش ردوود دو مطالعه موردی دیده می‌شود که هر دوی آن‌ها دربرگیرنده‌ی تغییر نام خیابان‌ها و کوچه‌های شماره گذاری شده‌ی منهتن^۵ است. مورد نخست بر پروژه‌ی تغییر نام کوچه‌های

¹ Kallio

² R.redwood

³ S.legg

⁴ P.bourdieu

⁵ Manhattan

شماره‌گذاری شده‌ی قسمت غرب منهتن بالادست در اواخر قرن نوزدهم و مورد دوم به بررسی تاریخ تغییر نام خیابان‌های هارلم^۱ به یادبود رهبران حقوق مدنی در یک قرن بعد اختصاص داشت (ردوود، ۲۰۰۸: ۴۳۳). هر دو مورد تلاش‌هایی را که برای تغییر نام خیابان‌ها و کوچه‌هایی که قبلاً شماره‌گذاری شده‌اند در نظر می‌گیرند و مزیت در نظر گرفتن آن‌ها این است که آنها منافع متعددی را- به علاقه‌ی سیاست‌های انحصاری نژاد، طبقه و جنسیت- که در این جابه‌جایی از «شماره» به «نام» وجود دارد نشان می‌دهند (ردوود، ۲۰۰۸: ۴۳۳). در نهایت استدلال او آن است که باز نام‌گذاری خیابان‌ها، فضایی را می‌گشاید که در آن کشمکش‌های نمادین بر روی یادآوری و محو در محل‌های خاصی به وقوع می‌پیوندند که به عنوان مکان‌های خاطره به کار می‌روند. مقاله‌ی ردوود دو برهه‌ی کلیدی در تاریخ نام‌گذاری خیابان‌های شهر نیویورک را برجسته کرد تا نشان دهد که سرمایه‌ی نمادینی که با نام‌گذاری خیابان عجین شده است چگونه ممکن است با پروژه‌ی محو سمبلیک و خلع ید اجباری از یک طرف و بازشناسی فرهنگی یک گروه از نظر تاریخی در حاشیه مانده از طرف دیگر پیوند یابد. این دو مطالعه‌ی موردی ادعای آلدرومن^۲ (۲۰۰۰: ۶۷۲) را تأیید می‌کند که نام‌گذاری خیابان می‌تواند برای پافشاری بر نظم هژمونیک و به‌طور هم‌زمان بازتولید آن به کار رود. آن‌ها معتقدند که هم از جنبه‌ی نظری و هم سیاسی این مهم است که کشمکش‌های نمادین درباره‌ی نام‌گذاری خیابان را به یک مقابله‌ی دوقطبی میان نخبگان و در حاشیه مانده‌ها تقلیل ندهیم؛ زیرا چنین توصیفی محورهای متعدد طرد شدگی در تولید فضاهای یادبوی را دچار ابهام می‌کند (ردوود، ۲۰۰۸: ۴۴۶-۴۴۷).

ماز آزاریو^۳ که از محققان صاحب نظر در عرصه‌ی مطالعات نام‌گذاری فضاها و معابر عمومی است در یکی از تحقیقات خود فرایند نام‌گذاری در گذشته‌ی کمونیستی برلین شرقی در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ و شکل‌گیری جغرافیای سیاسی پساکمونیستی را که در پی آن آمد بررسی کرده است. (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۷۹). او معتقد است که در انبوه شهرهای مدرن، نام‌های خیابان‌ها چیزی بیش از تسهیل‌کننده‌هایی برای جهت‌گیری فضایی هستند. (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۰). اغلب آن‌ها مملو از معانی سیاسی‌اند و نظریه‌ی معینی از جهان را بازنمایی می‌کنند که همراه و حمایت‌کننده‌ی نظم هژمونیک اجتماعی-سیاسی باشد (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۰). نام‌های یادبودی خیابان که وجهی فضایی و برداشتی تاریخی یافته‌اند تفسیری مجاز از گذشته را تولید می‌کنند. نام‌گذاری خیابان‌ها با

^۱ Harlem

^۲ D.alderman

^۳ M.azaryahu

نگیزه‌های سیاسی، ویژگی مشترک دوره‌های تغییرات انقلابی است (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۷۹). به عنوان یکی از شعائر انقلاب، «باز-نامگذاری» گذشته، به عنوان عمل روشنگر ارزش‌های نمادین اساسی و ایجاد پژواک سیاسی، بیان‌کننده‌ی انتقال جابه‌جایی سیاسی- یدئولوژیک به سطوح ظاهراً پیش پا افتاده و حتی صمیمی فعالیت‌ها و محیط‌های انسانی است (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۷۹). حُسن نام خیابان‌ها، توانایی شان برای پیوند زدن نسخه‌ای رسمی از تاریخ به عرصه‌هایی از فعالیت انسانی است که به نظر می‌رسد کاملاً از دخالت‌های مستقیم سیاسی به‌دورند (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۱). آزاریو معتقد است که گزینش نام‌های خیابان‌ها یک رویه‌ی سیاسی است که با نیازهای ایدئولوژیک و روابط قدرت سیاسی تعیین می‌شود (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۱). به نظر او حتی اگر چه ممکن است که نام‌گذاری خیابان به‌عنوان پاسخی به احساسات عامه‌ی مردم باشد؛ معمولاً به وسیله‌ی کارگزاران تعیین شده‌ی نظم سیاسی حاکم اعمال می‌شود و فرایند نام‌گذاری ویژگی آشکار اقتدار است (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۱).

آزاریو معتقد است که نام‌گذاری مجدد خیابان‌ها تحولات سیاسی را وارد عرصه‌ی زندگی روزمره می‌کند. به زعم او اگر چه تحقق بیش‌تر تغییرات ساختاری در نظم سیاسی اجتماعی نسبتاً دشوار است، باز نام‌گذاری خیابان‌ها اقدامی نسبتاً ساده است که تأثیرش بر عادات و نگاه انسانی فوری است (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۱). او بر حسب یافته‌هایش در بازنام‌گذاری خیابان‌های آلمان پس از دوره‌ی کمونیسم معتقد است که عمل باز نام‌گذاری رویه‌ای دو سویه است: نخست نام‌های فعلی برداشته می‌شوند که می‌تواند به یادبود زادی انجامد و دوم ساخت یادبودی با اسمی جدید که به جای اسم قبلی نشسته است (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۸۲).

نتیجه‌گیری آزاریو آن است که بازنام‌گذاری‌ای که در دوره‌ی ۱۹۹۱ به وجود آمد بیان‌کننده‌ی تلاش سیاست‌مداران ناحیه برای نجات چشم‌اندازهای شهر از نمودهای پنهان گذشته‌ی استالینیستی بود. این دقیقاً به معنی برچیدن القابی است که مستقیماً به هژمونی سیاسی شوروی و میراث سیاسی آلمان شرقی ربط داشت (آزاریو، ۱۹۹۷: ۴۹۱).

میا سوارت^۱ هم با نگاهی نزدیک به آزاریو به مطالعه‌ی بازنام‌گذاری در آلمان و آفریقای جنوبی پرداخت. هدف او شناسایی این موضوع بود که چگونه تغییر نام‌های خیابان‌ها در آلمان (به‌ویژه در برلین) و آفریقای جنوبی به تغییر چشم‌انداز سیاسی و فرهنگی پس از دوره‌ی گذار کمک کرده است و هم‌چنان کمک می‌کند. او معتقد است که اگرچه نام خیابان‌ها «ز نظر صوری قابل

^۱ M.swart

مشاهده»، اساساً این جهانی و ظاهراً آشکار توصیف می‌شود، تغییر خیابان‌ها می‌تواند شکلی معنادار از تاوان نمادین باشد و باید به عنوان ابزاری قانونی (و نه صرفاً سیاسی) برای تغییر درک شود. (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۰۶). تاوان نمادین یعنی کسانی که جانشان را در راهی از دست داده‌اند با نام‌گذاری خیابان از آن‌ها تقدیر می‌شود و دولت به آن‌ها نوعی تاوان می‌دهد (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۰۶). سوارت در خصوص کارکرد نام‌گذاری خیابان‌ها معتقد است که رویه‌ی اداری ظاهری که برای اعطای نام به خیابان‌ها وجود دارد می‌تواند نمایشی قدرتمند از تغییر سیاسی باشد. تغییر نام خیابان‌ها حداقل سه کارکرد دارد: نخست «وسیله‌ای برای یادبودسازی» است؛ دوم پایه‌گذاری شکلی از تاوان نمادین نقض حقوق بشر و کارکرد سوم ارائه‌ی نسخه‌ای سیاسی شده از تاریخ است. آنچه که درباره‌ی نام‌گذاری خیابان به عنوان روشی برای انعکاس و شکل‌گیری تاریخ مهم است این واقعیت است که نام‌های یادبودی خیابان‌ها نه تنها موجب عینی شدن نسخه‌ی خاصی از تاریخ می‌شود، بلکه ابزاری برای معرفی آن به عرصه‌های ارتباط اجتماعی است که در ظاهر خارج از قلمرو کنترل و مدیریت سیاسی قرار دارند (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۲). نام مکان‌ها و خیابان‌های یک شهر اغلب آینه‌ی تمام‌نمای دوره‌های تاریخی یک شهر است (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۳).

در برهه‌های تغییرات یا ناملازمات تاریخی، این امر آشکار می‌شود که کدام نام‌ها خطرناک یا نامربوط و کدام یک دارای ارزش به رسمیت شناخته شدن می‌شوند. نام خیابان‌ها اغلب برای ساختن اظهارات ایدئولوژیکی نمایشی به‌کار می‌روند. (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۳). انقلاب فرانسه میراثی برای استفاده از نام خیابان‌ها برای اهداف بازنمایی سیاسی ساخت (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۴). نتایج مطالعه‌ی سوارت نشان می‌دهد که تغییر پس از جنگ نام خیابان‌های شهرهای آلمان قسمتی از فرایند کلی‌تر نازی‌زدایی^۱ را شکل داد. نازی‌زدایی سیاست واحدی بود که با هدف تحول آلمان انجام شد و قصد آن برچیدن ایدئولوژی و فکر نازی‌ها از حیات عمومی بود (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۵). پس از سال ۱۹۴۵ بسیاری از خیابان‌های شهر برلین شرقی و غربی که توسط نازی‌ها نامیده شده بود با اسامی جدید جایگزین شد؛ با این وجود صدها نامی که از زمان نازی‌ها نشأت می‌گرفت همچنان بر مکان‌ها باقی ماند (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۶). پس از ۱۹۴۵ این اولویت وجود داشت که همه‌ی نام‌هایی را که به فاشیسم^۲، موناشرشی^۳ و نام‌های نظامی ربط داشت تغییر دهند. در کل تغییر ۱۸۰۰ نام پیشنهاد شد (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۶). پس از جنگ برخی از مکان‌ها مجدداً

^۱ Denazification

^۲ Fascism

^۳ Monarchies

نام‌های قبل از دوره‌ی نازی‌ها را یافتند. نام خیابان‌هایی که نسبتی با نام‌های نازی‌های بزرگ داشتند تغییر یافتند (سوارت، ۲۰۰۸: ۱۱۶).

آمیت پینچوسکی^۱ و افریم تورگونوویک^۲ معتقدند که نام‌گذاری خیابان به‌طور خاص یک کنش سیاسی سه وجهی است: نخست آن‌که نتیجه‌ی کشمکش‌های سیاسی است که در آن یک طرف، طرف‌های دیگر را تضعیف می‌کند، نام‌گذاری خیابان شبیه هر رقابت سیاسی دیگر دارای تضاد بالقوه است (پالونن، ۱۹۹۳: ۱۱۴). به نقل از: پینچوسکی و تورگونوویک، ۲۰۰۲: ۳۶۷. دوم آن‌که این تصمیم توسط نهادهای سیاسی بوروکراتیکی اتخاذ می‌شود که دارای مشروعیتی انحصاری برای نام‌گذاری‌اند و بدین ترتیب آن‌ها آن چیزی را دارند که پیر بورديو آن‌را ابزارهای خشونت نمادین می‌نامد. بنابراین این یک عمل سیاسی و به تمام معنی «اعمال قدرت بر فضا» است، نمایش دامنه‌ی کنترلی که در نهادهای سیاسی بوروکراتیکی تنیده شده که از حق ویژه‌ای برای مقوله‌بندی و الصاق تعاریف به فضاهای عمومی برخوردارند (سلیک و همکاران، ۱۹۹۴: ۴). به نقل از پینچوسکی و تورگونوویک، ۲۰۰۲: ۳۶۷. و در نهایت تصمیم‌گیری درباره‌ی نام خیابان‌ها به دست کنشگران سیاسی‌ای اتخاذ می‌شود که تلاش می‌کنند نگرش‌های ایدئولوژیک خود را بر فضای اجتماعی و عمدتاً بر خاطره‌ی جمعی حک کنند؛ از این منظر، نام‌های خیابان‌ها باید به عنوان رسانه‌ی زمینی تقدیس به‌شمار رود (پینچوسکی و تورگونوویک، ۲۰۰۲: ۳۶۷).

دانکن لایت^۳ بر روش‌هایی که در آن نام خیابان‌های پایتخت رومانی یعنی بخارست تغییر یافت متمرکز شد. فرایندهای مختلفی از یادبود زدایی^۴ و باز-یادبودسازی^۵، در متن تلاش‌های رومانی برای تعریف مجدد خودش بعد از دولت سوسیالیستی انجام شد. با این وجود برای استقرار پیشینه‌ی این فرایند، برخی ملاحظات میراث دوره‌ی سوسیالیستی هم ضروری بود (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۸). استدلال رایت آن است که قدرت سیاسی غالباً از طریق تنوعی از نمادها در چشم اندازهای شهری بیان و نهادینه می‌شود (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). نامیدن خیابان‌ها روش دیگری است که در آن نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا از آن طریق معانی خاصی را بر فضاهای عمومی حک کنند (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). آن‌ها از طریق کنترل نمادین فضای عمومی، ساختارهای هژمونیک قدرت را مشروعیت می‌بخشند (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). بدین طریق خیابان‌ها ممکن است مرکز کشمکش و

^۱ A. pinchevski

^۲ E. torgovnik

^۳ D. light

^۴ De-commemoration

^۵ Re-commemoration

مقاومت بر اهمیت گذشته‌ای باشند که یادبودشان می‌دارند (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۶). از این منظر، پذیرش نام‌های جدید خیابان‌ها هم ممکن است عمومی نباشد و خیابان‌های جدیداً نام‌گذاری شده هم کانون مخالفت و اعتراض شهروندان باشد (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۶). یافته‌های مطالعه‌ی رایت نشان می‌دهد که نام‌گذاری مجدد خیابان‌های بخارست پساسوسیالیستی در همه‌ی قسمت‌های شهر به‌طور یکسان اتفاق نیفتاد و توجه بیش‌تری به قسمت مرکزی شهر شد (لایت، ۲۰۰۴: ۱۶۶). مرکز شهر قسمتی از شهر است که عده‌ی بیش‌تری از مردم آن را می‌بینند و هم‌چنین مورد بازدید تعداد بیش‌تری از توریست‌ها و بازدیدکنندگان است. بنابراین انقطاع از گذشته‌ی سوسیالیستی و حضور رژیم جدیدی با دستور کار جدید می‌توانست به شکل مؤکدتری در قلب شهر مورد پذیرش قرار گیرد (لایت، ۲۰۰۴: ۱۶۷). با ارجاع به گذشته‌ی تاریخی، رایت معتقد است که زمینه‌ی تأکید بر ارزش‌های ملی رومانی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، در طول جنگ‌های داخلی-رومانی بزرگ-به شکل فزاینده‌ای به عنوان عصر طلایی تاریخ کشور ستایش قرار گرفت. بسیاری از خیابان‌ها بعد از ۱۹۸۹ تغییر یافت- هر چند به شکل گزینشی- و تلاش شد تا رومانی بزرگ دوباره زنده شود (لایت، ۲۰۰۴: ۱۶۸). تغییرات این چنینی اسامی خیابان‌ها فقط یکی از تلاش‌هایی بود که برای پذیرش و نهادینه کردن یک روایت رسمی جدید از تاریخ ملی رومانی صورت گرفت: آن‌ها به‌طور وسیعی بازنمایی مثال دیگری از اهمیت فضای شهری برای ساخت و تجدید بنای خاطرات جمعی است (لایت، ۲۰۰۴: ۱۶۸).

در پایان قسمت مبانی نظری این مقاله باید از تحقیق مرجان بدیعی درباره‌ی نام‌گذاری خیابان‌های تهران پس از انقلاب اسلامی سخن گفت. یافته‌های ارائه شده در مقاله‌ی او که برگرفته از رساله‌ی دکترای اوست نشان می‌دهد خیابان‌های تغییر نام یافته یا به تازگی نام‌گذاری شده در نخستین سال‌های پس از انقلاب نشان دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار میان موقعیت جغرافیایی مناطق گوناگون شهرداری و نوع نام‌های گذاشته شده بر آن‌ها بوده است. به بیان دیگر تغییر نام و نام‌گذاری خیابان‌ها تا حدی تحت تأثیر موقعیت فرهنگی و اجتماعی خیابان‌های مختلف شهر قرار دارد (بدیعی-۱۳۸۸-۸۵). هم‌چنین برخی اسامی از آغاز انقلاب تاکنون باقی مانده‌اند اما برخی نام‌ها تغییر یافته و سپس دچار تغییر ثانوی شده و نام‌های دیگری به‌جای آن‌ها برگزیده شده‌اند و سرانجام این‌که برخی نام‌ها نیز دوباره به اسامی قبل از انقلاب بازگشته‌اند (بدیعی-۱۳۸۸-۸۶). از نظر بدیعی می‌توان عوامل مؤثر در تغییر و نام‌گذاری معابر خیابان‌های تهران را که ناشی از تغییرات سیاسی اجتماعی بوده است، به شرح زیر برشمرد: ۱- ایدئولوژی دینی / مذهبی که تأکید بر

اسامی اسلامی- عربی داشت تا ایرانی- فارسی؛ ۲- جنگ و ترور که منجر به نام‌گذاری و تغییر نام بیش‌ترین معابر تهران به نام شهدا شد؛ ۳- تغییرات در فرهنگ و تاریخ که در مواردی بیش‌ترین تأثیر را در گسست فرهنگی شهروندان داشته است؛ ۴- رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی که منجر به حفظ و افزایش آن دسته اسامی متعلق به گروه‌های هم‌سو با قدرت سیاسی حاکم و حذف آن دسته از اسامی گروه‌های سیاسی شکست خورده شد؛ ۵- تفکرات انقلابی و حمایت از گروه‌های مبارز غیر ایرانی در سراسر جهان که باعث نام‌گذاری برخی از خیابان‌های تهران به نام مبارزان به‌ویژه فلسطینی، لبنانی، مصری و نظایر آن شد و ۶- قطع روابط سیاسی با کشورها از قبیل آمریکا، مصر و مانند آن‌ها که با تغییر اسامی خیابان‌های پایتخت منجر شدند (بدیعی-۱۳۸۸-۹۸).

۲-۲. جایگاه موضوع در اسناد بالادستی

بر اساس مصوب جلسه‌ی ۶ آذر ۱۳۷۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شهرهای جمهوری اسلامی ایران در ظاهر و باطن باید نشان دهنده‌ی تاریخ و جغرافیای تمدن و فرهنگ اسلامی و ایرانی باشد. یکی از مصادیق مهم این امر، اسامی خیابان‌ها در شهرهاست و این اسامی در حکم شناسنامه‌ی شهرها و بیان‌کننده‌ی ارزش‌های اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و ملی جامعه است. در ضوابط و معیارهای نام‌گذاری موارد زیر در اولویت است:

۱. نام شخصیت‌های مهم تاریخ صدر اسلام و انقلاب اسلامی و شهدای گران‌قدر آن و حوادث مهم تاریخ مبارزات اسلامی مردم ایران در درجه‌ی اول و نام شخصیت‌های فرهنگی، ادبی، علمی، سیاسی و تاریخی ایران و اسامی درباره‌ی اندیشه، فکر و هنر و نیز مظاهر طبیعت زیبای ایران در مرتبه‌ی بعد برگزیده شود.

۲. در نام‌گذاری تناسب اسم و مسمی رعایت شود.

۳. اسامی باید رسا، کوتاه، سلیس و روان باشد.

۴. از اسامی مناسبی که باعث ایجاد روحیه‌ی افتخار ملی و حماسی و انبساط خاطر و تلطیف اخلاقی و عاطفی مردم و بیان‌کننده‌ی غنای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی باشد استفاده شود.

۵. به‌منظور حفظ و تحکیم یک‌پارچگی سیاسی و فرهنگی کشور و حفظ هویت ملی، نام‌ها باید فقط به زبان فارسی باشد.

۶. در نقاط مختلف کشور ضمن توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای از اسامی شهرهای دیگر هم استفاده شود.

۷. به منظور ایجاد پیوندهای سیاسی و فرهنگی با کشورهای دیگر می‌توان در نامگذاری اماکن با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تأیید شورای فرهنگ عمومی کشور از نام شخصیت‌های سیاسی و مردمی خارجی یا اسامی اماکن خارجی استفاده کرد. در این زمینه اولویت با کشورهای اسلامی است.

۸. در نامگذاری علاوه بر توجه به شخصیت‌های ملی و قهرمانان، به شخصیت‌های محلی هر منطقه نیز توجه شود.

۹. از نام اشخاص خیری که تأسیسات مهم عام المنفعه (اعم از دینی، آموزشی، علمی، فرهنگی، هنری و تربیتی) احداث کرده‌اند می‌توان برای نامگذاری اماکن یاد شده استفاده کرد (اشرفی، ۱۳۷۸: ۱۳۰۵)

۲-۳. فرایند نام‌گذاری در شهرداری رشت

طبق تحقیقات میدانی نویسندگان مقاله، در صورتی که خیابان و یا کوچه‌ای فاقد نام باشد، یکی از افراد ساکن آن می‌تواند به مناطق سه گانه‌ی شهرداری رشت مراجعه کند. شهرداری فرمی را در اختیار او قرار می‌دهد که وی باید در آن فرم، نام پیشنهادی خود و مدارک مربوطه از قبیل نشانی محل زندگی و فیش تلفن ثابت و یا برق را ضمیمه کند. نامه‌های شهروندان در مناطق سه گانه‌ی شهرداری جمع‌آوری و به مرکز فرستاده می‌شود. این درخواست‌ها به صحن علنی «کمیسیون نام‌گذاری معابر شورای اسلامی شهر» برگشت داده می‌شود و در آنجا درخواست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. اعضای این کمیسیون شامل شهردار رشت، رئیس کمیسیون فرهنگی - اجتماعی شورای شهر، نماینده‌ی اداره پست، نماینده‌ی بنیاد شهید، مدیر خدمات شهری، نماینده‌ی از دانشگاه گیلان و دبیر کمیسیون نام‌گذاری (مدیر روابط عمومی شهرداری رشت) هستند. اولویت شهرداری در نامگذاری کوچه‌های فاقد نام، درخواست ساکنین است. به گفته‌ی ایشان اگر نام پیشنهادی مردم مورد قبول اعضا واقع شود، همان نام را انتخاب می‌کنند در غیر این صورت نام شهدا، شعرا، گل‌ها و غیره را بر کوچه‌ی مورد نظر می‌گذارند. شهرداری در نامگذاری میادین و خیابان‌های اصلی خودش اقدام می‌کند و اختیار عمل در دست خودش است.

۳. روش تحقیق

آثار مربوط به مطالعه‌ی نام‌های خیابان‌ها عمدتاً به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخستین آن‌ها مطالعاتی هستند که در آن‌ها نام‌های خیابان‌ها به شکل آماری و بر اساس هر یک از مقولات نام‌ها بررسی شده‌اند (پینچوسکی و تورگونویک، ۲۰۰۲: ۳۶۸). دومین نوع مطالعات، تحلیل روایتی برخی از فرایندهای سیاسی و تاریخی و تغییر نام‌ها بر اساس این تغییرات است. برای مثال می‌توان به مطالعات هاریس^۱ و موریس تون^۲ درباره‌ی نیوجرسی (۱۹۸۹)، آزاریو درباره‌ی برلین (۱۹۹۷)، و پالونن درباره‌ی هلسینکی (۱۹۹۳) اشاره کرد (پینچوسکی و تورگونویک، ۲۰۰۲: ۳۶۸). آنچه در مقاله‌ی حاضر ارائه شد. در گروه نخست جای گرفته است.

روش تحقیق به‌کار رفته در این پژوهش، روش مطالعه‌ی اسنادی و آمار توصیفی است. بدین صورت که نخست با تهیه‌ی نقشه‌ی جامع شهر رشت، همه اسامی خیابان‌های اصلی، خیابان‌های فرعی، کوچه‌های اصلی، کوچه‌های فرعی و بن بست‌های سه منطقه‌ی شهرداری شهر رشت استخراج و وارد جدول شد. با توجه به مرور تجارب مشابه این جدول دارای ۱۱ مقوله به شرح زیر بود:

۱. اسامی شهدا مانند: رضا بابایی، دانش حجتی، اصغری و...
۲. اسامی شخصیت‌های انقلاب اسلامی مانند: امام خمینی، طالقانی، رجایی و...
۳. اسامی روزها و مناسبت‌های انقلاب اسلامی مانند: ۱۲ فروردین، ۱۵ خرداد، ۲۲ بهمن و...
۴. اسامی طبیعت و گل‌ها مانند: یاس، میخک، بوستان
۵. اسامی مترائ معبر مانند: ۱۴ متری سجاد، ۲۲ متری دکتر آذر اندامی، ۱۲ متری دوم
۶. اسامی اشخاص حقیقی: تحقیقات میدانی نویسندگان مقاله حاکی از آن بود که در برخی از محلات شهری رشت اسامی اشخاص حقیقی مانند حق شناس، زحمتکش، پاسخی، حسین و... بر کوچه‌ها نهاده شده است. دلیل این نوع نام‌گذاری‌ها بر حسب موارد متفاوت بوده است. برای مثال چون بیش‌تر زمین‌های یکی از کوچه‌ها متعلق به فردی بوده، کوچه نیز به نام او نهاده شده است.
۷. اسامی اعداد مانند: ششم، ۱۱۲، ۹۶
۸. اسامی فرهنگی مانند: استقلال، آزادی، اتحاد
۹. اسامی شعرا و مشاهیر مانند: سعدی، شیون فومنی، استاد رشیدی

¹ Harris

² Morristown

۱۰. اسامی ماه‌های ایران مانند: دی، مرداد، بهمن
 ۱۱. اسامی برگرفته از مفایم دینی مانند: امام حسین، ولی‌عصر، توحید
- پس از به‌دست آوردن فراوانی هر یک از مقولات، با استفاده از نرم افزار آماری (اس. پی. اس. اس.)^۱ داده‌های به‌دست آمده پردازش شد.

۴. یافته‌ها

در این قسمت از مقاله، یافته‌های پژوهش نخست بر حسب کل شهر و سپس بر حسب مناطق شهرداری رشت که دربرگیرنده‌ی ۳ منطقه است ارائه می‌گردد. نحوه‌ی ارائه‌ی یافته به ترتیب خیابان‌های اصلی و فرعی، کوچه‌های اصلی و در نهایت کوچه‌های فرعی و بن بست‌های هر منطقه خواهد بود.

۴-۱- نام‌های معابر کل شهر

۴-۱-۱- خیابان‌های اصلی

جدول شماره‌ی یک- توزیع فراوانی هر مقوله بر اساس خیابان‌های اصلی شهر رشت (کل مناطق)

اسامی	فراوانی	درصد
شعرا و مشاهیر	۱۰	۱۸/۵
مفاهیم دینی	۹	۱۶/۷
شخصیت‌های انقلاب اسلامی	۹	۱۶/۷
شهدا	۶	۱۱/۱
طبیعت و گل‌ها	۶	۱۱/۱
فرهنگی	۵	۹/۲
روزها و مناسبت‌های انقلاب اسلامی	۳	۵/۶
اشخاص حقیقی	۳	۵/۶
سایر	۳	۵/۶
مجموع	۵۴	۱۰۰

^۱ SPSS

همان‌طور که جدول شماره‌ی یک گویای آن است از نظر موضوعی، نام خیابان‌های اصلی شهر رشت به ترتیب به شعرا و مشاهیر، مفاهیم دینی و در مرتبه‌ی سوم شخصیت‌های انقلاب اسلامی تعلق دارد. در مجموع مقولاتی هم‌چون: مفاهیم دینی، شخصیت‌های انقلاب اسلامی، شهدا، و روزها و مناسبت‌های انقلاب اسلامی بیش از ۵۰ درصد نام خیابان‌های اصلی شهر رشت را به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۲- خیابان‌های فرعی

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی هر مقوله بر اساس خیابان‌های فرعی شهر رشت (کل مناطق)

اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۲۳	۴۳/۳
شهدا	۱۵	۲۸/۳
اعداد	۶	۱۱/۳
طبیعت و گل‌ها	۳	۵/۷
مفاهیم دینی	۳	۵/۷
شعرا و مشاهیر	۳	۵/۷
مجموع	۵۳	۱۰۰

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره‌ی دو نشان می‌دهد بر خلاف خیابان‌های اصلی که در مجموع نام‌های مرتبط با حیطه‌های دینی و سیاسی مورد حمایت نظام سیاسی بر آن ثبت شده است، در خیابان‌های فرعی مراتب به شکل دیگری است. به عبارت روشن‌تر در این‌جا، نام‌های خیابان‌ها نخست به اشخاص حقیقی (حدود ۴۳ درصد) و پس از آن به شهدا (۲۸/۳ درصد) تعلق دارد.

۴-۱-۳- کوچه‌های اصلی

جدول شماره‌ی سه- توزیع فراوانی هر مقوله بر اساس کوچه‌های اصلی شهر رشت (کل مناطق)

اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۳۲	۶۱/۵
اعداد	۷	۱۳/۴
طبیعت و گل‌ها	۶	۱۱/۵
شهدا	۴	۷/۷
مفاهیم دینی	۱	۱/۹
متراژ معبر	۱	۱/۹
فرهنگی	۱	۱/۹
مجموع	۵۲	۱۰۰

هر چه از خیابان‌های اصلی به سمت کوچه‌های فرعی می‌رویم مقولات موضوعی نام‌گذاری‌ها دچار تغییر می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره‌ی سه مشاهده می‌شود نام‌های برگرفته از اشخاص حقیقی حدود ۶۱ درصد نام کوچه‌های فرعی را به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۴- کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها

جدول شماره‌ی چهار- توزیع فراوانی هر مقوله بر اساس اسامی کوچه‌های فرعی و بن بست شهر رشت (کل مناطق)

اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۳۶	۷۰/۶
طبیعت و گلها	۸	۱۵/۷
اعداد	۵	۹/۸
شهداء	۱	۲
فرهنگی	۱	۲
مجموع	۵۱	۱۰۰

در نهایت همان‌گونه که جدول شماره‌ی چهار نشان می‌دهد بر خلاف نام‌گذاری خیابان‌های اصلی، در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها نیز حضور ارزش‌های نظام سیاسی کاهش یافته و نام اشخاص حقیقی حضور پررنگی دارد به‌طوری که این مقوله حدود ۷۰ درصد نام کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها را به خود اختصاص داده است.

در ادامه هر یک از ارقام بر حسب مناطق مختلف شهرداری ارائه شده است.

۴-۲- نام‌های معابر بر حسب مناطق شهرداری

۴-۲-۱- منطقه‌ی ۱

جدول شماره‌ی پنج- توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۱

○ خیابان‌های فرعی	فراوانی	درصد
اسامی	۷	۳۵
اشخاص حقیقی	۵	۲۵
عداد	۳	۱۵
شهدا	۲	۱۰
طبیعت و گل‌ها	۲	۱۰
مفاهیم دینی	۱	۵
شعرا و مشاهیر	۲۰	۱۰۰
مجموع		

دامه‌ی جدول شماره‌ی پنج- توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۱

○	کوچه‌های اصلی		
	سامی	فراوانی	درصد
	اشخاص حقیقی	۷	۳۵
	عداد	۵	۲۵
	شهادا	۳	۱۵
	طبیعت و گل‌ها	۲	۱۰
	مفاهیم دینی	۲	۱۰
	شعرا و مشاهیر	۱	۵
	مجموع	۲۰	۱۰۰
○	کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها		
	سامی	فراوانی	درصد
	اشخاص حقیقی	۹	۵۳
	طبیعت و گل‌ها	۶	۳۵/۳
	عداد	۲	۱۱/۷
	مجموع	۱۷	۱۰۰

همان‌طور که ارقام جدول شماره‌ی پنج نشان می‌دهد در منطقه‌ی ۱ شهر رشت اولویت مقولات نام‌گذاری با مقوله اشخاص حقیقی است به‌طوری که این مقوله در خیابان‌های فرعی (۳۵ درصد)، در کوچه‌های اصلی (۳۵ درصد) و در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها (۵۳ درصد) را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین در مرتبه‌ی دوم برای خیابان‌های فرعی و کوچه‌های اصلی مقوله‌ی اعداد و در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها نام‌های مقوله طبیعت و گل‌ها قرار داشته است.

۲-۲-۴- منطقه‌ی ۲

جدول شماره‌ی شش- توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۲

○	خیابان‌های فرعی		
	اسامی	فراوانی	درصد
	اشخاص حقیقی	۹	۵۶/۲
	شهادا	۵	۳۱/۳
	شعراء و مشاهیر	۲	۱۲/۵
	مجموع	۱۶	۱۰۰
○	کوچه‌های اصلی		
	اسامی	فراوانی	درصد
	اشخاص حقیقی	۱۲	۷۰/۶
	شهادا	۳	۱۷/۶

ادامه‌ی جدول شماره‌ی شش - توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۲

طبیعت و گل‌ها	۱	۵/۹
متراز معبر	۱	۵/۹
مجموع	۱۷	۱۰۰
○ کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها		
اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۱۶	۹۴/۱
طبیعت و گل‌ها	۱	۵/۹
مجموع	۱۷	۱۰۰

همان‌طور که ارقام جدول شماره‌ی شش نشان می‌دهد در منطقه‌ی ۲ شهر رشت اولویت مقولات نام‌گذاری در خیابان‌های فرعی (۵۶ درصد)، کوچه‌های اصلی (۷۰ درصد)، کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها (۹۴ درصد) با مقوله‌ی اشخاص حقیقی بوده است. همچنین در مرتبه‌ی دوم برای خیابان‌های فرعی و کوچه‌های اصلی مقوله‌ی شهدا و در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها نام‌های مقوله طبیعت و گل‌ها قرار داشته است.

۴-۲-۳- منطقه‌ی ۳

جدول شماره‌ی هفت - توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۳

○ خیابان‌های فرعی		
اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۷	۴۱/۱
شهدا	۷	۴۱/۱
مفاهیم دینی	۱	۵/۹
طبیعت و گل‌ها	۱	۵/۹
اعداد	۱	۵/۹
مجموع	۱۷	۱۰۰
○ کوچه‌های اصلی		
اسامی	فراوانی	درصد
اشخاص حقیقی	۱۱	۶۴/۸
اعداد	۳	۱۷/۶
شهدا	۱	۵/۹
طبیعت و گل‌ها	۱	۵/۹
فرهنگی	۱	۵/۹
مجموع	۱۷	۱۰۰

ادامه‌ی جدول شماره‌ی هفت- توزیع فراوانی هر مقوله در معابر منطقه‌ی ۳

○	کوچه‌های فرعی و بن بست ها	
	اسامی	فراوانی
	اشخاص حقیقی	درصد
	اعداد	۶۴/۸
	شهدا	۱۱
	طبیعت و گل ها	۳
	فرهنگی	۱
	مجموع	۵/۹
		۵/۹
		۱۷
		۱۰۰

همان‌طور که ارقام جدول شماره‌ی هفت نشان می‌دهد در منطقه‌ی ۳ شهر رشت اولویت مقولات نام‌گذاری در خیابان‌های فرعی (۴۱ درصد)، کوچه‌های اصلی (۶۴/۸ درصد)، کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها (۶۴/۸ درصد) با مقوله‌ی اشخاص حقیقی بوده است. همچنین درمرتب‌بندی دوم برای خیابان‌های فرعی و کوچه‌های اصلی نام‌های مقوله‌ی شهدا و در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها نام‌های مقوله‌ی اعداد قرار داشته است.

- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش‌های نخست این مقاله اشاره کردیم نام‌های معابر، کارکردی بیش از کمک به یافتن آدرس‌ها دارند. به تعبیر لایت، نامیدن خیابان‌ها روش دیگری است که در آن نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا از آن طریق معانی خاصی را بر فضاهاى عمومی حک کنند (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). این تحقیق با هدف بررسی روند نام‌گذاری معابر شهری در شهر رشت و نحوه‌ی توزیع نام‌های معابر بر حسب مقولات موضوعی انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر نحوه‌ی نام‌گذاری معابر، نام‌گذاری «خیابان‌های اصلی شهر» تابع نظر نهادهای رسمی است به‌طوری که در مجموع مقولاتی هم‌چون مفاهیم دینی، شخصیت‌های انقلاب اسلامی، شهدا، و روزها و مناسبت‌های انقلاب اسلامی بیش از ۵۰ درصد نام خیابان‌های اصلی شهر رشت را به‌خود اختصاص داده است. ولی با فاصله گرفتن از خیابان‌های اصلی، این رقم کاهش می‌یابد. به‌طوری که سهم مقولات مفاهیم دینی، شخصیت‌های انقلاب اسلامی، شهدا، و روزها و مناسبت‌های انقلاب اسلامی در خیابان‌های فرعی به ۳۴ درصد، در کوچه‌های اصلی به ۹/۶ و در نهایت در کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها به ۲ درصد کاهش یافته است. این امر می‌تواند بیان‌کننده‌ی آن باشد که در سطوح خردتر و محلی‌تر، نقش نهادهای رسمی کاهش یافته و نقش انتخاب‌های محلی پر رنگ‌تر می‌گردد. نامیدن خیابان‌ها روش دیگری است که در آن نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا از آن طریق معانی خاصی را بر فضاهاى عمومی حک کنند (لایت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). نحوه‌ی نام‌گذاری در شهر بخارست بعد دوران سوسیالیسم توضیح دهنده‌ی این وضعیت است. نام‌گذاری مجدد خیابان‌های بخارست پس‌اوسوسیالیستی در همه‌ی قسمت‌های شهر به‌طور یکسان اتفاق نیفتاد و توجه بیش‌تری به قسمت مرکزی شهر شد. دلیل این امر آن بود که مرکز شهر توسط ساکنین بیش‌تری از شهر دیده می‌شد و هم‌چنین تعداد بیش‌تری از توریست‌ها آن را می‌دیدند. بنابراین انقطاع از گذشته‌ی سوسیالیستی و حضور رژیم جدیدی با دستور کار جدید می‌توانست به شکل مؤکدتری در قلب شهر مورد پذیرش قرار گیرد (لایت، ۲۰۰۴: ۱۶۷).

از نظر تقسیم‌بندی مناطق مختلف شهری، قابل ذکر است که در شهر رشت سه منطقه‌ی شهرداری وجود دارد و بیش‌تر محلات دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی متوسط رو به بالا در منطقه ۱ قرار دارند. از نظر توزیع نام‌گذاری‌ها در مناطق سه گانه شهرداری رشت، هر چند در هر سه منطقه مقوله‌ی «اشخاص حقیقی» در مرتبه‌ی نخست قرار دارد ولی پس از این مقوله، در منطقه‌ی ۱ «اعداد» با ۲۵ درصد، ولی در مناطق ۲ و ۳ مقوله‌ی «شهدا» به ترتیب با ۳۱/۳ و

۴۱/۱ درصد در رده‌ی دوم قرار دارند. نکته‌ی جالب آن‌که نام‌گذاری بر حسب اعداد به دلیل خنثی بودن تابع تغییر و تحولات سیاسی نیست. منظور آن است که برای مثال نام معابر شهرک گل‌سار، از قبل از انقلاب تا به امروز عمدتاً برگرفته از نام‌های مقوله «اعداد» و «طبیعت و گل‌ها» است. درصد قابل توجه مقوله‌ی «اشخاص حقیقی» در نام‌گذاری کوچه‌های اصلی در سطح سه منطقه نیز بیان‌کننده‌ی ساخت و زمینه‌ی اجتماعی این مناطق است؛ به طوری که برای مثال در منطقه‌ی ۱ یعنی منطقه دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی متوسط رو به بالا سهم مقوله «اشخاص حقیقی» ۳۵ درصد است ولی این رقم در منطقه‌ی ۲ به ۷۰/۶ درصد و در منطقه‌ی ۳ به ۶۴ درصد یعنی تقریباً دو برابر افزایش یافته است.

در پایان باید گفت که مطالعات اخیر درباره نام‌گذاری خیابان‌ها، نقش پراهمیتی را که نام‌گذاری‌های جغرافیایی در مشروعیت بخشی به هویت‌های سیاسی و فرهنگی ایفا می‌کنند نشان می‌دهند (زیل و روف، ۲۰۰۹). واقعیت آن است که نام‌گذاری می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای جامعه پذیری^۱ دیده شود که نسل‌های جدید با توجه به آن‌ها و دریافتن علل و معانی نهفته در آن‌ها جامعه پذیر می‌شوند. اگر این نام‌ها برگرفته از خاطرات جمعی و تاریخی باشد در ایجاد و تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی تأثیر گذارند. ولی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که پس از سطح کلان شهری یعنی خیابان‌های اصلی، در سطوح پایین‌تر عمدتاً از نام اشخاص حقیقی استفاده می‌شود که طبق مطالعات میدانی نویسندگان این مقاله از پشتوانه‌ی فرهنگی و اجتماعی خاصی برخوردار نیستند.^۲ لذا نویسندگان این مقاله هرچند معتقدند که روند نام‌گذاری باید از فرایندی دموکراتیک تبعیت کند ولی انتخاب نام‌های مرتبط با هویت‌های ملی و منطقه‌ای می‌تواند تأثیرات مثبتی در تقویت انسجام اجتماعی و هویت داشته باشد.

^۱ socialization

^۲ به دلیل سرعت گرفتن روند اعیان سازی شهری (gentrification) و تجاوز تدریجی شهر به محیط‌های پیرامونی خود، نام کوچه‌ها در سطح محلی عمدتاً برگرفته از نام زمین‌داران و یا سازندگان اولین ساختمان‌ها در کوچه هاست. برای مثال ساختمانی توسط کسی در کوچه ای ساخته شده است و سازنده‌ی نام دختر خردسالش سمیرا را برای ساختمان انتخاب کرده است. به تدریج با گسترش ساخت و ساز در کوچه، ساکنین جدید نام همین ساختمان را بر کوچه اطلاق کرده و در نهایت شهرداری نیز طبق همین روال نام کوچه را سمیرا نهاده است.

منابع

۱. بدیعی، مرجان (۱۳۸۸). «گفتمان نامگذاری خیابان‌های تهران پس از انقلاب اسلامی». فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره‌ی اول، ص ۷۲-۱۰۱.
2. Alderman, D. (2002). «Street names as Memorial Arenas: The Reputational Politics of Commemorating Martin Luther King Jr. in a Georgia County». **The Civil Rights Movement in American Memory**, University of Georgia Press.99-120. Retrieved from:
3. <https://ejournals.unm.edu/index.php/historicalgeography/article/viewFile/2982/2461>
4. Alderman, D. (2000). «A street fit for a King: naming places and commemoration in the American South», **Professional Geographer** ,52: 672-684.
5. Azaryahu, M. (1997). «German reunification and the politics of street naming: the case of East Berlin», **Political Geography** , 16, pp.479-493.
6. Celik, Z., D. Favro and R. Ingersoll (1994) **Streets: Critical Perspective on Public Space**, Berkeley: University of California Press.
7. Gill, G. (2005). «Changing symbols: the renovation of Moscow place names», **The Russian Review**, 64 (July 2005) pp. 480-503.
8. Hammond, M. (2006). «Names aren't a key issue», **Portside Messenger**, 11 October, p. 16.
9. Kearns, R.A. and Berg, L.D. (2002). «Proclaiming place: towards a geography of place name pronunciation», **Social and Cultural Geography**, 3(3), pp.283-302.
10. 302.
11. Light, Duncan, Ion Nicolae and Bogdan Suditu. (2002).« Toponymy and the Communist city: Street names in Bucharest, 1948-; 1965». **GeoJournal** , Vol. 56, No. 2, pp. 135-144
12. Monmonier, M. (1995) **Drawing the Line** , New York. Henry Holt and Company.
13. -Legg, S. (2007).« Reviewing geographies of memory/forget-ting», **Environment and Planning** , a 39: 456-466.
14. Nash .C. (1999). «Irish place names: post-colonial locations», **Transactions of the Institute of British Geographers**, 24 ,457-80.
15. Palonen, K. (1993). «Reading Street Names Politically», in K. Palonenand T. Parvikko (eds) **Reading the Political: Exploring the Margins of Politics**.Tampere: The Finnish Political Science Association. pp. 103-121
16. Pinchevski, A. and Torgovnik, E. (2002) «Signifying passages: The signs of change in Israeli street names», **Media, Culture & Society**, 24(3), pp.365-388.
17. Rofo, M.W. & Szili, G. (2009) «Name games 1: place names as rhetorical Devices», **Landscape Research** ,34(3) pp.361-370.
18. Rofo, M.W. (2004) «From 'problem city' to 'promise city': gentrification and the revitalisation of Newcastle», **Australian Geographical Studies**, 42(2), pp. 193-206.
19. 206.
20. 206.
21. Rose-Redwood, R.S. (2008) «From number to name: symbolic capital, places of memory and the politics of street renaming in New York City», **Social and Cultural Geography**, 9(4), pp. 432-452.
22. Cultural Geography, 9(4), pp. 432-452.

23. Saparov, A. (2003) «The alteration of place names and construction of national
24. identity in Soviet ArmeniaK, **Cahiers du Monde Russe**, 55(1) pp. 179-198.
25. Yong, K.H. (2007) «The politics and aesthetics of place-names in Sarawak»,
26. **Anthropological Quarterly** ,80(1) pp. 65-91.
27. Zelinsky, W. (1989) «The game of the name», **American Demographics** ,11(4),
28. pp. 42-45.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.